بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد مرتد 1](#_Toc427990902)

[حکم ارتداد زن 1](#_Toc427990903)

[اقوال عامه در این مسئله 2](#_Toc427990904)

[مستندات بحث 2](#_Toc427990905)

[طایفه اول روایات 2](#_Toc427990906)

[روایت اول 2](#_Toc427990907)

[روایت دوم 2](#_Toc427990908)

[روایت سوم 3](#_Toc427990909)

[روایت چهارم 3](#_Toc427990910)

[مستند قول مخالف 3](#_Toc427990911)

[مناقشه در روایت فوق 4](#_Toc427990912)

[تحلیل دیگری از این روایت 4](#_Toc427990913)

[توبه زن مرتد 5](#_Toc427990914)

# حد مرتد

# حکم ارتداد زن

در قبال حکم ارتداد زن نیز اختلاف‌نظر وجود دارد، همان‌طور که در مرتد فطری در میان عامه و خاصه اختلاف‌نظر وجود داشت، در قبال حکم زن نیز این اختلاف‌نظر به چشم می‌خورد. نظر اتفاق شیعه بر این است که حکم زن مرتد قتل نیست، بلکه با حبس آن‌قدر بر او سخت می‌گیرند تا توبه کند. زمانی که توبه کرد نیز توبه او موردقبول واقع خواهد شد.

این حکم متفق میان شیعه است، البته احتمالات دیگر در این زمینه در مسالک داده‌شده است ولی به میزان قول نمی‌رسد.

# اقوال عامه در این مسئله

اما در میان عامه در این باب سه نظریه وجود دارد؛ قول مشهور در میان آن‌ها این است که زن نیز حکم مرد را دارد، البته آن‌ها برای مرد در قبال ملی و فطری فرقی قائل نبودند. نظر دوم این است که زن وقتی مرتد شد به‌صورت امه درخواهد آمد. و نظر سوم بر این مبناست که در فقه شیعه در این زمینه مورد اتفاق است، که نظریه سوم در میان آن‌ها از آن ابی حنیفه است.

## مستندات بحث

روایات مربوط به زن در جلد هیجده، ابواب حد مرتد، باب چهار، صفحه 549 واردشده است.

این روایات از یک منظر کلی به دودسته تقسیم می‌شود، یک طایفه روایاتی است که قتل را نفی کرده و حکم را همان حبس بیان نموده است. در مقابل این روایات نیز روایتی قائل به قتل شده است.

## طایفه اول روایات

## روایت اول

این روایت کاملاً معتبر است؛

**«عَنْهُ عَنْ یعْقُوبَ بْنِ یزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فِی الْمُرْتَدَّةِ عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ لَا تُقْتَلُ وَ تُسْتَخْدَمُ خِدْمَةً شَدِیدَةً وَ تُمْنَعُ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ إِلَّا مَا یمْسِک نفس‌ها وَ تُلْبَسُ خَشِنَ الثِّیابِ وَ تُضْرَبُ عَلَی الصَّلَوَاتِ.» [[1]](#footnote-1)**

در این روایت هرچند به‌صراحت از حبس سخن گفته نشده است اما احکامی که در روایت ذکرشده نشان می‌دهد مراد همین است.

## روایت دوم

این روایت ظاهراً روایت معتبری است؛

**«مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَینِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یحْیی الْخَزَّازِ عَنْ غِیاثِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِی ع قَالَ: إِذَا ارْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَکنْ تُحْبَسُ أَبَداً.»[[2]](#footnote-2)**

## روایت سوم

**«عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا یخَلَّدُ فِی السِّجْنِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ الَّذِی یمَثِّلُ وَ الْمَرْأَةُ تَرْتَدُّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ السَّارِقُ بَعْدَ قَطْعِ الْیدِ وَ الرِّجْلِ.»[[3]](#footnote-3)**

## روایت چهارم

روایت چهارم هم همین را می‌رساند که؛

**«عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ غَیرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فِی الْمُرْتَدِّ یسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَ إِلَّا قُتِلَ وَ الْمَرْأَةِ إِذَا ارْتَدَّتْ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتُتِیبَتْ فَإِنْ تَابَتْ وَ رَجَعَتْ وَ إِلَّا خُلِّدَتْ فِی السِّجْنِ وَ ضُیقَ عَلَیهَا فِی حبس‌ها.» [[4]](#footnote-4)**

## مستند قول مخالف

این روایت سند معتبری دارد؛

**«الْحُسَینُ بْنُ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَیسٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَضَی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع فِی وَلِیدَةٍ کانَتْ نَصْرَانِیةَ فَأَسْلَمَتْ وَ وَلَدَتْ لِسَیدِهَا ثُمَّ إِنَّ سَیدَهَا مَاتَ وَ أَوْصَی بِهَا عَتَاقَةَ السُّرِّیةِ عَلَی عَهْدِ عُمَرَ فَنَکحَتْ نَصْرَانِیاً دَیرَانِیاً فَتَنَصَّرَتْ فَوَلَدَتْ مِنْهُ وَلَدَینِ وَ حَبِلَتْ بِالثَّالِثِ قَالَ قَضَی أَنْ یعْرَضَ عَلَیهَا الْإِسْلَامُ فَعُرِضَ عَلَیهَا فَأَبَتْ فَقَالَ مَا وَلَدَتْ مِنْ وَلَدٍ نَصْرَانِی فَهُمْ عَبِیدٌ لِأَخِیهِمُ الَّذِی وَلَدَتْ لِسَیدِهَا الْأَوَّلِ وَ أَنَا أَحْبِسُهَا حَتَّی تَضَعَ وَلَدَهَا الَّذِی فِی بطن‌ها فَإِذَا وَلَدَتْ قَتَلْتُهَا.»[[5]](#footnote-5)**

روایت در قبال زنی است که نصرانی بود و بعد مسلمان شد پس‌ازآن کنیز مرد مسلمانی شد و از صاحب خود، دارای فرزند شد، فرد نصرانی مسلمان شد سپس مولایش فوت کرد و وصیت به عتق او نمود. اما پس‌ازاینکه آزاد شد با فردی نصرانی ازدواج نمود و مرتد شد. پس‌ازآن از آن فرد نیز صاحب دو فرزند شد.

این روایت دلالت می‌کند بر اینکه زنی که ارتداد پیدا کند، حکمش قتل است. در اینجا حضرت حکم حبس را برای زمانی قراردادند که او حامله بوده است تا زمانی که فرزندش را به دنیا آورد و کشته شود.

## مناقشه در روایت فوق

این روایت مورد اعراض همه فقها بوده و علت این اعراض برمی‌گردد به اینکه؛

حکمی را دربر دارد که فرزندان بعدی او عبد فرزند اول می‌شوند که هیچ‌کس بدان قائل نشده است. علاوه بر اینکه قاعده درع نیز خلاف این را اقتضا می‌کند. در فرض تعارض نیز روی مبنای هرکدام از فقها نمی‌شود بدین روایت تکیه نمود. چراکه در اینجا موافقت کتاب را نداریم و این روایت در مقابل شهرت است.

## تحلیل دیگری از این روایت

برخی روایت را این‌گونه توجیه کرده‌اند که چون فرد بعد از ارتداد با فردی نصرانی ازدواج‌کرده است لذا قتل به خاطر این زنای محصنه است.

این توجیهی که مرحوم شیخ آورده‌اند، خلاف ظاهر روایت است چراکه طبق ظاهر آن، قتل به خاطر ارتداد بوده است.

### توبه زن مرتد

برخی از روایات بیان‌شده به توبه کردن زنی که مرتد است، نپرداخته بودند و در قبال آن ساکت بودند، در چند روایت از آن‌ها فرموده شده بود که اگر زن مطلقاً توبه کند چه فطری و چه ملی توبه او موردقبول واقع می‌شود. و ظاهر امر این است که اگر این ادله خاصه نیز در اینجا وجود نداشت، با توجه به ادله توبه، توبه او موردقبول واقع می‌شود.

1. تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 143 [↑](#footnote-ref-1)
2. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج 4، ص: 255 [↑](#footnote-ref-2)
3. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 270 [↑](#footnote-ref-3)
4. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 256 [↑](#footnote-ref-4)
5. تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 143 [↑](#footnote-ref-5)